

راه هدایت

● صدیقه بالی لاشک

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم تهران

● معصومه یاری

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم تهران

در بین مسلمین جهان سفر حج از دیر باز تا به امروز جایگاه و مقام ویژه و قابل تأملی داشته است. مسلمین به این میعادگاه به عنوان مکانی می‌نگرند که وحدتشان را حفظ و به دیگران نشان دهند و آنگاه که با لباس‌هایی یکدست سفید به دور خانه خدا طواف می‌کنند، فارغ از هرگونه دشمنی به معبودی می‌اندیشند که آنان را به این سرزمین دعوت کرده است. سرزمینی پر از نور و روشنایی. سرزمینی که در آن دیگر غم تعلق به دنیا رنگ می‌بازد. حج برای آنان حکم پالایشگاهی است تا تصفیه کند هر آنچه بدی و نازیبایی که تا به امروز داشته‌اند. آمده‌اند تا قدم در سرزمینی بگذارند که سال‌ها قبل ابراهیم، اسماعیل و محمد (ص) در آن زیسته‌اند، پس هنگامی که این سفر برایشان تا این حد ارج و اهمیت دارد، ثبت و ضبط آن نیز جایگاه ویژه‌ای می‌یابد. در بین مسلمین و به طور اخص مورخان و ادیبان ایران زمین، نگارش سفرنامه حج از دیرباز مرسوم بوده است و نویسندگان و زائر سعی می‌کرده با وسواس خاصی حتی ریزترین نکات این سفر را شرح دهد.

قدیمی‌ترین سفرنامه‌ای که به زبان فارسی نگاشته شده، سفرنامه ناصر خسرو قبادیاتی، حکیم و دانشمند اسماعیلی مذهب است. ناصر خسرو که در دنیای مادی غوطه‌پور بوده، به یک‌باره و با ندایی درونی، آن‌چه از گذشته دارد پشت سر می‌گذارد و به سوی سرزمین وحی رهسپار می‌شود، سفری که هفت سال به طول انجامید، در بندند کتاب وی می‌توان به نکات پرارزشی در خصوص تمدن طلایی اسلام در آن روزگار برخورد. اما عمده سفرنامه‌هایی که به زبان فارسی در باب حج نگاشته شده، مربوط به دوران صفویه و قاجاریه است. کتاب هدایه‌الحجاج یا سفرنامه مکه نیز از جمله آثاری است که در زمان قاجار نگاشته شده است. در زمان معاصر نیز ادیبان و مورخان بسیاری در این باب قلم‌فرسایی کرده‌اند که از آن میان می‌توان به کتاب‌های تحفه‌الحرمین نایب الصدر، خسی در میقات جلال آل احمد، با کاروان ابراهیم، گردآوری سفرنامه منظوم مکه و سفر به ام‌القری از آثار رسول جعفریان، در حریم حرم جواد محدثی و... اشاره کرد.

در این متن سعی شده است علاوه بر نشان دادن اهمیت حج، به معرفی کتاب هدایه‌الحجاج بپردازیم، نام کامل کتاب هدایه‌الحجاج، سفرنامه مکه است که سیدمحمد رضا طباطبایی تبریزی طی سفرش در



■ هدایه‌الحجاج، سفرنامه مکه (۱۲۹۶-۱۲۹۷ق/۱۲۵۸-۱۲۵۹ش)

■ سید محمد رضا طباطبایی تبریزی

■ به کوشش: رسول جعفریان

معرفی مؤلف کتاب و همراهان وی

نام اصلی مؤلف، طبق شرح وی، **محمد رضا بن عبدالجلیل الحسینی الحسینی الطباطبایی تبریزی الاصل والمسکن** است. متأسفانه در خصوص تاریخ تولد وی اطلاعاتی در کتاب آورده نشده است. خاندان وی از سادات طباطبایی تبریز بودند که اعتبار و اهمیت خاصی در خطه‌ی آذربایجان داشتند. پدرش از کارگزاران دولت وقت و مسئول چاپارخانه‌های مابین تهران و تبریز بوده است. نویسنده، برخلاف آنچه در آن روزگار مرسوم بود، به مدارس سبک جدید رفت و در آنجا به کسب دانش و معرفت پرداخت، البته این سبک آموزش بعدها در رفتار و شیوه نگارش وی تأثیر می‌گذارد. وی در همان مدارس با مفهوم (مدنیت) آشنا می‌شود و می‌کوشد این مفهوم را به خواننده نیز ملقی سازد.

زمانی که وی گام در راه سفر حج نهاد، پدرش در قید حیات بود و مسئولیت چاپارخانه‌های تبریز - تهران را در اختیار داشت. نکته‌ی قابل تأمل و کاملاً مشهود در این سفرنامه، ارادت و علاقه نویسنده به شخصی عالم به نام **میرزا شفیع بن میرزا جعفر صدر تبریزی بن میرزا شفیع مستوفی**، از رهبران مذهبی شیخیه تبریز و از علمای آن سرزمین است. در جای جای کتاب نویسنده از این شخص با تعبیر **ثقه الاسلام** یا **جناب آقای یاد** می‌کند. این فرد محور کاروان بوده و مؤلف به طور مرتب و با احترام بسیار از وی یاد می‌کند. **میرزا موسی صدر** فرزند **میرزا شفیع** در این سفر پدر را همراهی می‌کرد. بعدها پسر **همین میرزا موسی**، در حوادث مشروطه‌ی تبریز شهید می‌شود که در تاریخ او را با نام **ثقه الاسلام** می‌شناسیم. **جناب آقای** که عالمی فاضل بود، از سوی **مظفرالدین شاه** ولیعهد وقت بسیار مورد احترام و تکریم بوده، البته در میان توده مردم نیز طرفداران قابل توجهی داشته است. در طول سفر، مسئولین شهرهای مختلف به توصیه کنسول‌گری‌ها به دیدار **جناب آقای** مشرف می‌شدند، نکته قابل تأمل این است که این نخستین حضور یک عالم بلندپایه‌ی ایرانی و شیعی در سفر حج است که از سوی مقامات امپراتوری عثمانی اهل تسنن، مورد استقبال قرار گرفته است. استقبال ویژه و بی‌نظیری که از **ثقه الاسلام** در شهر استانبول صورت گرفت، به نظر مؤلف می‌تواند زمینه‌ساز اتحاد سیاسی و تقویت روابط دو دولت گردد. توصیه دولت عثمانی به شرفای مکه سبب شد تا در آن سرزمین احترام خاصی برای

سال ۱۲۹۶ هجری قمری به سرزمین وحی آن را نگاشته و به کوشش رسول جعفریان گردآوری و تصحیح شده است. رسول جعفریان یکی از مورخین پرتلاش در دوران معاصر است که آثار بسیاری در خصوص سفرنامه‌های دینی و به‌ویژه حج به رشته تحریر در آورده است.

گردآورنده نسخه اصلی این کتاب را از کتابخانه مرحوم ملک با حمایت جناب **حجت الاسلام والمسلمین الهی خراسانی** و مشارکت و همکاری بخش خطی کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی به دست آورده و در فرصتی که در خلال سفر عمره سال ۱۳۸۶ برای وی فراهم شده، آن را مطالعه و در بازگشت از سفر مقدمه آن را نگاشته است.

کتاب موردنظر شامل یک مقدمه جامع و غنی از مصحح است و در آن آقای جعفریان توانسته است فهرست موضوعی پراکنده نویسنده را در قالبی جدید و با یک دسته‌بندی مرتبط ارائه دهد. فهرست اصلی کتاب توسط مؤلف به شرح زیر سامان یافته است: **فصل اول**، در ذکر **فوائد سفر**؛ **فصل دوم**، آداب و شیوه سفر؛ **فصل سوم**، در این فصل، نویسنده به‌طور مفصل به شرح همراهان خود به‌ویژه **ثقه الاسلام**، که در صفحات بعد شرح آن به تفصیل خواهد رفت، پرداخته است. در ادامه‌ی این فصل‌بندی‌ها، مؤلف قالب دسته‌بندی خود را تغییر داده و به بیان جزئی نام راه‌های حج، بهترین راه‌ها، شرح اوضاع شهرهای مختلف به شکل تفکیکی و بیان مکان‌های تاریخی که خود آنها را مشاهده نموده و بیان حکایات و جغرافیای شهرهای مسلمین می‌پردازد.

هدف مؤلف از تألیف کتاب:

انگیزه‌ی اصلی نویسنده، ارائه‌ی اطلاعات به زائران بوده و نویسنده بنای نگارش سفرنامه داشته، نه مناسک و نباید تصور کرد هدایه‌الحجاج به معنای هدایت حجاج به مناسک است. مؤلف هدف خود را از نگارش کتاب در مقدمه این‌گونه بیان می‌کند: «اگر هموطنان من در این اوراق به نظر تدقیق تأمل نمایند... خواهند دانست که عالم تمدن چیست و چگونه در این عالم باید زیست و حجاج بیت الله الحرام را نمونه‌ای از تکالیف مسافرت خطه حجاز از این اوراق حقیقت طراز واضح و روشن می‌شود که در آن بلاد طریق مسالمت چیست و شاهراه نجات از کجاست. فی‌الجمله چون غرض اصلی از ترقیم این مختصر تذکره‌الحجاج و مسافرت حجاز بود، مناسب آمد که این کتاب را هدایه‌الحجاج نام نهاد.»

انگیزه‌ی اصلی نویسنده، ارائه‌ی اطلاعات به زائران بوده و نویسنده بنای نگارش سفرنامه داشته، نه مناسک

نویسنده یادداشت‌ها و متن سفر را در حین سفر می‌نگاشته است و زمانی که از سفر بازگشته، به تدوین آن همت گماشته است

راه هدایت

راه‌های حج

طباطبایی در کتابش، راه‌ها را به دقت توصیف کرده و سعی داشته است که بهترین راه را به زائرین معرفی کند. در آن زمان، چندین راه برای حج وجود داشت:

۱- راه جبل؛ ۲- راه شام؛ ۳- راه دریا. دو راه دریایی برای رسیدن به حج وجود داشت: الف) سفر از طریق روسیه به دریای سیاه و از آنجا به ترتیب به استامبول، اسکندریه و قاهره و بعد عبور از کانال سوئز و ورود به دریای سرخ و سرانجام رسیدن به جده. ب) راه بوشهر و عبور از دریای عمان و اقیانوس هند و گذر از دماغه امید نیک و ورود به دریای سرخ و رسیدن به جده.

با ورود کشتی‌های بخار اضافه شدنشان به ناوگان حمل و نقل، عبور از مسیرهای زمینی، کمتر شد و اکثر حجاج با بازگشایی کانال سوئز در سال ۱۲۸۶ هجری قمری، از این مسیر طی طریق نمودند.

نویسنده بهترین راه سفر به حج را از طریق دریا می‌داند و در مقدمه می‌گوید: «برای مسافرت و وصول مقصود در باب انتخاب طرق به عقیده کسان باتجربه و آنانی که هر دو راه دریا و خشکی را مکرر دیده‌اند، راه دریا را اسهل و مرجح دانسته‌اند...» نویسنده و همراهان وی مسیر دریایی روسیه را برای سفر حج طی نموده‌اند و در واقع این بخش از نگارش وی بر مشاهدات شخصی وی استوار است، مؤلف بدترین راه را راه جبل دانسته که به نام راه سلطانی نیز شهرت یافته، این راه اگرچه کوتاه اما بسیار سخت، کم‌آب و پر از دزد است.

تمدن جدید

مؤلف در این کتاب علاوه بر دادن آگاهی به زائر در خصوص راه‌های سفر، وسائل نقلیه و شیوه رفتار مسافر، سعی دارد ابعاد مدنیت و پیشرفت را به مسافر نشان دهد. مؤلف و همراهان در طول مسیر از دو کشور روسیه و عثمانی دیدار کرده‌اند، از نظر مؤلف، عالم تمدن همین پیشرفت‌هایی است که در این دو کشور روی داده و تغییراتی را در عرصه‌های مختلف پدید آورده است. وی در خصوص تجاوزات روسیه به برخی نقاط خاک عثمانی نه تنها اعتراضی ندارد، بلکه میل دارد این‌گونه به خواننده القاء

جناب آقای قائل شوند. نویسنده در خصوص این احترامات در گوشه‌ای از کتابش می‌آورد: «بنا بر توصیه و سفارش نامه‌هایی که از بابعالی به جناب شریف مکه معظمه و والی حجاز در باب احترامات و اکرامات قدوم شریف جناب آقای ثقه‌الاسلام قبل از وقت فرستاده شده بود، بعد از ورود، هردو کمال انسانیت و مهربانی را که لازمه اتحاد اسلام بود به عمل آورده، مکرر ملاقات و دیدوبازدید اتفاق افتاد».

نکته‌ی قابل توجه این است که برخلاف غالب سفرنامه‌های دوره‌ی قاجار، که از برخوردهای منفی بر ضد حجاج شیعه و عجم یاد شده (مانند سفرنامه نجم الملک که در همین سال نگاشته شده و به تفصیل این نوع خشونت‌ها در آن شرح داده شده است)؛ مؤلف این سفرنامه چیزی در این رابطه بیان نداشته و حتی در مواردی رفتارهای ایرانیان را مورد انتقاد قرار داده است.

شیوه نگارش و تدوین کتاب

نویسنده یادداشت‌ها و متن سفر را در حین سفر می‌نگاشته است و زمانی که از سفر بازگشته، به تدوین آن همت گماشته است. این سفرنامه شامل گزارش‌های روزانه‌ی فردی نویسنده و شرح مباحث موضوعی است و این امتیاز آن بر دیگر سفرنامه‌هاست. وی در بخش گزارش‌های روزانه، که غالباً تاریخ‌های آن مانند آنچه در آن زمان رایج بوده، به ماه و سال قمری بیان شده است، بیشتر به مسائل جغرافیایی، شهرهای مسیر سفر، فاصله راه‌ها، وجود راه آهن و... می‌پردازد.

در بخش موضوعی وی تلاش می‌کند تا جایی که امکان دارد، مباحث مربوط به یک موضوع را در ذیل یک عنوان ارائه دهد تا استفاده از این اثر آسان‌تر شود. در تدوین کتاب، مؤلف برحسب احساس نیاز، از منابع مختلف مکتوب و شفاهی دیگر نیز استفاده کرده است. به‌طور مثال هنگامی که در توصیف شهر استانبول، واضح است که این اطلاعات را از منابع کتبی در خصوص فتح این شهر به دست آورده است؛ از جمله کتاب اخبار الدول. وی در خصوص شهرها نکات و آمار بسیار دقیقی درباب جمعیت و مراکز آموزشی و دینی آن‌ها ارائه می‌دهد که طبق گفته‌ی خود وی، کتابچه‌های راهنمای این شهرها کمک شایان توجهی به او کرده است.

اخباری در باب چهره‌های شاخص شرکت‌کننده حج در آن سال

علاوه بر شرحی که در فصل سوم کتاب در خصوص همراهان و همسفران طباطبایی آمده است، نویسنده در بخش دیگر کتاب نیز به شرح حال کسانی که یا در طول مسیر دیده و یا در سفر حج ملاقاتشان کرده، پرداخته است. مثلاً در مواردی از حضور چند تن از علما و چهره‌های سیاسی یاد می‌کند، آخوند خراسانی و سیدمحمدکاظم یزدی از جمله مراجع تقلید چند دهه بعد، کسانی بودند که نویسنده با آن‌ها ملاقات کرده است. از جمله دیگر اشخاص سرشناس که در این سال به این سفر معنوی رهسپار شده بودند، می‌توان به اشخاصی چون سیدعلی مجتهد یزدی و آخوند ملامحمد خراسانی اشاره کرد.

اماکن تاریخی

مؤلف در طول مسیر، به شهرهای مختلف و اماکن تاریخی موجود در آن شهرها توجه بسیار کرده است. وی وصفی دقیق از شهرهای تفریس، استامبول و به‌ویژه اهرام مصر ارائه می‌دهد. از نکات جالب توجه کتاب در شرح اماکن تاریخی، ذکر نام چندین مسجد از بناهای دوران شاه عباس صفوی و دست کم در یک مورد برخی از کتیبه‌های موجود در آن‌هاست. درباره حرمین شریفین هم اشارات قابل تأمل و ارزشمندی دارد. برای نمونه در مکه از سنگ متکا یاد می‌کند و کتیبه‌ای را که حاوی دو بیت شعر بوده عیناً نقل می‌کند. چون نویسنده بیش از پنج روز در مدینه‌ی منوره حضور نداشته است، اطلاعاتی که از این شهر به خواننده می‌دهد، بسیار اندک است. البته وی اشاره‌ای دارد به تعمیرات مسجدالنبی که از زمان سلطان عبدالمجید آغاز شده بود.

ویژگی‌های کتاب

از جمله نکات مثبت قابل ذکر در کتاب، این است که زبان روان و قابل فهم است؛ شرح کاملی که وی در خصوص راه‌ها و شهرهای طول مسیر و پیشرفت‌های آن روزگار می‌دهد، نیز از نکات قابل توجهی است که تا آن روزگار کمتر به آن پرداخته شده است. علاوه بر نکات مثبت آن، اشکالاتی نیز بر این کتاب وارد است. مؤلف سعی دارد برخلاف نویسندگان هم عصرش، که به برخوردهای خصمانه‌ی اعراب با زائران ایرانی پرداخته‌اند، از این تنش‌ها چشم‌پوشی کند و آن را ناشی از فقر فرهنگی ایرانیان بداند. وی معتقد است ما خود مسبب این برخوردها هستیم. نکته قابل ذکر دیگر این است که نویسنده در آغاز به‌طور مشخص و معین تمام بخش‌های کتاب را فصل‌بندی نکرده و تنها به ذکر اسامی شهرها، مکان‌های تاریخی و... بسنده کرده و این تفکیک سبب شده تا حدودی ذهن خواننده پراکنده و درگیر گردد و جمع‌بندی مطالب با مشکل روبه‌رو شود. با وجود این، مطالعه‌ی کتاب برای دوستداران تاریخ دینی و سفرنامه‌های حج مفید بسیار پر بار و مفید است.

سازد که این مناطق بعد از این که به تصرف روسیه در آمدند، پیشرفت و آبادانی را تجربه کردند.

قصد وی این است تا از نظم و انضباط دنیای جدید سخن گوید و همه چیز را بر اساس اصول تعریف شده بشناساند. با این که وی به‌طور ضمنی از شرایط ایران و عثمانی و روسیه آگاهی دارد، به سبب تعصبی که نسبت به حکومت قاجار دارد، هیچ انتقادی از حاکمیت و رشد مدنیت در ایران ندارد و تنها انتقادی که در این زمینه از دولت وقت شده است، نامساعد بودن شرایط ایران برای تجارت است که سبب مهاجرت ایرانیان زیادی به خارج از کشور شده است.

مسکوکات، اوزان مقادیر و مکیال

از نکات جالب توجه این کتاب، اطلاعات جغرافیایی است که مؤلف ارائه می‌دهد، البته بخش‌هایی که مربوط به ایران و قفقاز است بسیار مبسوط‌تر از دیگر بخش‌هاست. علاوه بر اطلاعات جغرافیایی، وی بحث از مکیال و موازین و انواع پول‌ها و فاصله‌سنج‌ها و... را نیز ذکر می‌کند و البته سعی دارد مکیال‌های سنتی را با انواع جدید آن، که به تازگی از غرب وارد شده، مقایسه کند. مانند مقایسه‌ی کروانکه و پوپ که برای اندازه‌گیری خاک روسیه است و برابر است با مکیال خودمان. وی از انواع وسایل نقلیه‌ی آن زمان، گزارش ارائه می‌دهد و در اشاراتش میزان سرعت و فرسخ جغرافیایی را که طی می‌کنند، با هم مقایسه می‌کند. البته وی در خصوص ارزهای مختلف و ارزش مسکوکات کشورهای متفاوت هم اطلاعات جالبی در اختیار می‌گذارد، نقاطی چون روسیه، عثمانی، مصر، فرانسه و... فاصله میان شهرها و بنادر هم از جمله نکاتی است که دغدغه‌ها و حساسیت‌های نویسنده در این خصوص را بیان می‌کند.

کنسول‌ها و سفرای ایران

مؤلف آگاهی‌های بسیار جالب توجهی در خصوص نمایندگان کنسولی ایران در بلاد مختلف به دست می‌دهد. نکته جالب توجه این است که حتی در سرزمین‌ها و شهرهایی که کنسولی از سوی دولت ایران نبوده، نماینده‌ای برای رفع مشکلات ایرانیان وجود داشته است. وی حتی یک بخش هم درباره معین الملک سفیر ایران در عثمانی دارد که سال‌ها در آن‌جا سفارت داشته و نویسنده و همراهانش هیچ‌ده روز را میهمان باغ بیلاقی سفیر بوده‌اند.

بر اساس این کتاب، به سهولت می‌توان نمایندگان و کنسول‌ها را در شهرهای مختلف از جمله تفریس، سامسون، امیر، اسکندریه و قاهره شناخت. یکی از نکات جالب این سفرنامه، توضیحاتی است که درباره‌ی بهمن میرزا پسر عباس میرزا نایب السلطنه دارد که پس از اختلاف با محمدشاه، با حمایت روس‌ها از ایران رفت و خود و پسرانش در خدمت دولت روسیه درآمدند و در قراباغ با مؤلف و هیئت همراه وی دیدار داشته‌اند.